

#### خرابات

### افراشته در دلی ویران



جواد طوسی

● یکی از آن مکان‌های شکل‌گرفته در خاطرات دوران نوجوانی و جوانی ما با خاک یکسان شد. ساختمان‌های پلاسکو و آلومینیوم جزء اولین نمونه‌ها برای انبوه‌سازی در بافت تجاری شهر تهران در دهه ۴۰ بودند. هرکس که گذرش به خیابان اسلامبول، کوچه مهران، برلن و لاله‌زار می‌افتاد، سری به ساختمان پلاسکو هم می‌زد. جدا از طبقات بالا که عمدتا اختصاص به تولیدی و عمده‌فروشی پیراهن، ژاکت و کاپشن مردانه داشت، طبقه اول و زیرزمین متنوع‌تر بودند و تک‌فروشی نیز در آنها دیده می‌شد. پادم می‌آید در طبقه زیرزمین یکی، دو آکوارיום‌فروشی و قهوه‌خانه وجود داشت که اتفاقا دیری‌شان معروف بود. در همین طبقه پیلیدار مجلسی در طبقات فوقانی آتلیه‌هایی وجود داشت که فعالیت اصلی‌شان نقاشی پلاکارد فیلم‌های ایرانیِ سردر سینماها بود و نام «جَدَت» و «باطنی» در گوشه چپ قسمت پایین به عنوان نقاش و طراح این کارها دیده می‌شد.

قبل از احداث ساختمان پلاسکو، یک سینمای خانوادگی به نام تهران در این مکان مستقر بود که سالان تابستانی هم داشت. هتل‌پالاس معروف نیز در همین محل واقع بود که قسمتی از رخداد‌های فیلم «خداحافظ رفیق» امیر نادری در آنجا می‌گذشت. اما یکی از لوکیشن‌های سینمایی ساختمان پلاسکو، باشگاه بیلیارد مجلسی در طبقه فوقانی آن بود که بیشترین میز بیلیارد در سطح تهران را داشت و سکانس‌های تعداد زیادی از فیلم‌های ایرانی در اینجا فیلم‌برداری می‌شد. بیلیاردبازهای حرفه‌ای و شرطی‌زن، در این باشگاه حضور و تردد داشتند و در همین فیلم‌ها از آنها به عنوان بازیگر نقش‌های فرعی و سیاهی‌لشکر استفاده می‌شد.

وجود چندین سینما همچون آریا، همای، برلیان، سهیلا و پارک در دوروبر ساختمان پلاسکو، باعث شده بود این مکان جدا از بافت تجاری و کارگری‌اش، حالت پاتوق طبقاتی عامی و متوسط را پیدا کند.

یک ویژگی دیگر این محیط که هزارگانه تیتَر صفحه حوادث روزنامه‌ها می‌شد، خودکشی بعضی افراد ناامید و پریشان‌احوال از بالای این‌ساختمان بود؛ طوری که در میان مردم کوچه‌وبازار با شوخی و طنز نقل می‌شد «اگه می‌خوای دَخل خودتو بیاری، برو بالای ساختمان پلاسکو غرلو بخون».

چند روز قبل ساختمان پلاسکو، دوران افولش را با واقعه‌ای تلخ و اندوه‌بار به نمایش عمومی گذاشت. این‌بار قهرمانان و خاطره‌سازان اصلی، آتش‌نشان‌های غیوری بودند که در میان آتش و خاک و تیرآهن جان سپردند و تصویری زنده و ماندگار از خود به جا گذاشتند و دوباره این مکان از دور خارج‌شده را تیتَر روزنامه‌ها کردند.

#### هفت جهان

### «طل» در میان ۱۰ فیلم برتر جهان

● **منصور جهانی:** فیلم سینمایی «طل» به کارگردانی «کیوان کریمی»، به نمایندگی از سینمای ایران در میان ۱۰ فیلم برتر سینمای جهان در سال ۲۰۱۶ قرار گرفت.

فیلم سینمایی «طل» Drum نخستین ساخته بلند «کیوان کریمی» به نمایندگی از سینمای ایران و از نگاه سینماگران، نویسندگان، منتقدان و روزنامه‌نگاران مطرح سینمای جهان از جمله: «ژان میشل فرودون»، «جولیانو وچیلینی»، «جونا نازارو»، «رافائل میل»، «فدریکو روسین»، «جان کارلو مارچینی»، «مارک جوستی»، «جوانا برانکو»، «کریستینا پیچینو»، «جولیانا موشو»، «ژوسف سیدا»، «ماتسینو مونتیناری»، «آلبرتو مومو»، «توماس مارتینلی» و… در میان ۱۰ فیلم برتر سینمای جهان در سال ۲۰۱۶ قرار گرفت.

فیلم سینمایی «طل» در نخستین نمایش بین‌المللی خود به نمایندگی از سینمای ایران در بخش رقابتی «هفته منتقدان» در هفتادوسومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «وینز» Venice در کشور ایتالیا به نمایش درآمد و مورد استقبال خبرنگاران، روزنامه‌نگاران و منتقدان سینمایی جهان قرار گرفت و نقدهای مختلفی در رسانه‌های بین‌المللی از جمله: وب‌سایت روزنامه ایتالیایی مانیفست، لوموند فرانسه، نشریه آمریکایی هافینگتن‌پست» The Huffington Post، روزنامه ایتالیایی «مانیفستو»، وب‌سایت اتحادیه ملی منتقدان سینمای ایتالیا SNCC، «ژان میشل فرودون» Jean-Michel FRODON، منتقد فرانسوی و سردبیر سابق مجله معتبر «کایه دو سینما» Cahiers du Cinéma، مارکو رامانگا» Marco Romagna در سایت سینمایی «سینلهپسوس» Cine Lapsus و چندین منتقد و نویسنده سینمایی دیگر درباره آن نوشته شد.



احمد رضا دالوند

بیشترین سهم را بر گستره پوستر دارد. دو، لوگوی تایپ‌سفید کلمه نگار روی زمینه قرمز که اتفاقا ضعیف‌ترین عنصر بصری پوستر است. سه، لی‌آوت اسامی بازیگران و سایر عوامل فیلم با تنظیم چپ‌چین. و اما تصویر زنی با چشمان بسته که در سمت راست و نیمه تاریک چهره‌اش با پرهیی از اسی سرکش که به‌خوبی با سایه‌روشن صورت زن تلفیق شده مواجه می‌شویم و گل‌های رنگی تزیینی و شکنده در سمت چپ و عقب تصویر زن در تضادی آشکار با کلیت تصویر رؤیت می‌شوند. با چنین شرحی بلافاصله متوجه کانسپت مبهم این پردازش تصویری می‌شویم که اگر هر نوع ارزش هنری مفروض برای این پوستر قائل شویم- به دلایلی که این نوشتار کوتاه در پی آن است- کمترین ارزش ارتباطی و رسانه‌ای را دارد. فراموش نکنیم پوستر یک مدیای ارتباطی است که حتی اگر برای یک فیلم معمایی نیز تهیه شود، دلیلی وجود ندارد که پوستر مربوطه نیز دچار ابهام و

#### درباره پوستر فیلم «نگار» به کارگردانی رامبد جوان

## زیبا و مبهم با چشمان بسته

به پوستر فیلم «نگار» اثر رامبد جوان که نگاه کنی، سه عامل به ترتیب اهمیت دیده می‌شود: یک، عکس شخصیت اصلی فیلم که بیشترین سهم را بر گستره پوستر دارد. دو، لوگوی تایپ‌سفید کلمه نگار روی زمینه قرمز که اتفاقا ضعیف‌ترین عنصر بصری پوستر است. سه، لی‌آوت اسامی بازیگران و سایر عوامل فیلم با تنظیم چپ‌چین. و اما تصویر زنی با چشمان بسته که در سمت راست و نیمه تاریک چهره‌اش با پرهیی از اسی سرکش که به‌خوبی با سایه‌روشن صورت زن تلفیق شده مواجه می‌شویم و گل‌های رنگی تزیینی و شکنده در سمت چپ و عقب تصویر زن در تضادی آشکار با کلیت تصویر رؤیت می‌شوند. با چنین شرحی بلافاصله متوجه کانسپت مبهم این پردازش تصویری می‌شویم که اگر هر نوع ارزش هنری مفروض برای این پوستر قائل شویم- به دلایلی که این نوشتار کوتاه در پی آن است- کمترین ارزش ارتباطی و رسانه‌ای را دارد. فراموش نکنیم پوستر یک مدیای ارتباطی است که حتی اگر برای یک فیلم معمایی نیز تهیه شود، دلیلی وجود ندارد که پوستر مربوطه نیز دچار ابهام و

## هنر

#### یک پوستر، یک جشنواره



پی‌نوشت:

۱. پرهیب: شبح، سایه.

۲. استنباط: ادراک و دریافت معنی و مفهوم چیزی بر اثر دقت و تیزهوشی (Deduction)



عشاق افقی در موزه آقاخان

#### موزه آقاخان میزبان آثار پرویز تناولی شد

## هیچ، همه چیز است

با شعر فارسی پیوند داد. «ادبیات ما پر از داستان‌های عاشقانه است، من همیشه شیفته این قصه‌های ایرانی بودم. از ابتدا دو پیکر را در کنار هم می‌ساختم، اما این فیکورها معماران‌تر و هندسی‌تر از عشاقی بودند که در نقاشی‌های منیا‌تور ایرانی می‌یابیم.» **ترانشیدن مرمر موسیقی را می‌کشد**

تناولی می‌گوید اگر قرار بود مجسمه‌ساز نباشد، احتمالا نوازنده یا آهنگ‌ساز می‌شد. البته هنگامی که مجسمه‌سازی را آموخت دیگر در بر روی موسیقی بسته شد. تناولی که نخست ناوختن ویلن را فرا گرفته بود، کمکم متوجه شد درس‌های سنگ‌تراشی انگشتانش را سخت کرده است. او دراین‌باره می‌گوید: «من باید موسیقی را کنار می‌گذاشتم، چراکه انگشتانم دیگر مرا همراهی نمی‌کردند».

اما امروز هنوز هم گوش‌دادن به موسیقی در کارگاهش جزء جدانشدنی کارش است. او درباره موسیقی مورد علاقه‌اش می‌گوید: «من موسیقی سنتی ایرانی را بسیار دوست دارم. همچنین به موسیقی قرن‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی مانند ویوالدی و گاهی هم موتسارت گوش می‌دهم».

اما در کارگاه تناولی رپ و راک‌اند رول ممنوع است: «از آنجا که با موسیقی کار می‌کنم و موسیقی دائم در کارگاهم پخش می‌شود روی ریتم من تأثیر می‌گذارد، من می‌خواهم موسیقی آرام‌باد و در سرم نگوید».

**آفرینش هر هنری زمان می‌برد**

این روزها ساخت بیشتر مجسمه‌های تناولی که در

کدام‌یک از ایده‌هایشان ارزش دنبال‌کردن و بیان‌شدن در کارشان را دارد. اما چگونه نسلی که خود را در شبکه‌ای اجتماعی ابزار می‌کند و به این روش خو گرفته است، می‌تواند به وسیله هنر مسائلش را بیان کند؟ او می‌گوید: «شاید دلیل اینکه نمی‌توانند خود را با رسانه هنر ابراز کنند این است که این روزها تمام حرف‌هایشان را در مدیای الکترونیکی می‌زنند. هنگامی که خود را در شبکه‌های اجتماعی بیان می‌کنید همه احساسات با واژگان منتقل می‌شود و البته همه از واژه‌ها استفاده می‌کنند. اما اگر قرار باشد حرف‌هایتان را با گچ یا با فولاد بزبند باید به سوی دیگر واژگان بروید- انتزاعی شوید و دیگر ادبی نباشید».

**آیا می‌شود چیزی را از هیچ ساخت؟**

از شناخته‌شده‌ترین کارهای پرویز تناولی آثار «هیچ» هستند. او از سال ۱۳۴۳ مجسمه‌های کوچک و بزرگی از شکل نوشته‌شده این واژه ساخته است. این «هیچ»‌ها از تن‌آویزهای طریف تا برنز جلا داده شده و مجسمه‌های بزرگ فایرگلاس را دربر می‌گیرند و در میان سه اثری که در موزه آقاخان در تورنتو به نمایش در آمده است شاید «هیچ» فولادی چهارمتری از همه خیره‌کننده‌تر باشد. در بعضی از آثار «هیچ» را می‌توان شبکی ششگوشی را به شمار آورد، اما در برخی دیگر از کارها «هیچ» شکلی انسانی به خود می‌گیرد و شخصیت پیدا می‌کند. دگرگونی‌پذیری و طبیعت فراگیر این شکل بخشی از علتی است که تناولی همواره به آن برمی‌گردد: ««هیچ» واپسین واژه است. «هیچ» نه‌تنها هیچ است بلکه همه چیز است. همه چیز در آخر هیچ می‌شود». هیچ همچنین با علاقه تناولی به شعر پیوند خورده است: «داستان هیچ قرن‌هاست که شاعران را به خود مشغول کرده است. خام می‌گوید: دنیا دیدی و هر چه دیدی هیچ است، یا: ای بی‌خبران شکل مجسم هیچ است».

**پس آیا «هیچ» روی دیگر همه‌چیز است؟**

تناولی می‌گوید: «بله، روی دیگر همه‌چیز است. من تصمیم گرفتم جای ساختن همه‌چیز»، هیچ بسازم، چراکه با همه‌چیز پیوند دارم».

بزرگداشت آثار پرویز تناولی در جهان همچنان ادامه دارد. سال آینده میلادی شهر لندن میزبان نمایشگاهی از تن‌آویزهای او خواهد بود و در تابستان آینده نیز نمایشگاهی بزرگ از آثار این هنرمند در موزه هنرهای معاصر تهران برگزار خواهد شد. اما تا آن زمان هیچ بزرگ، شاعر عاشق و عشاق افقی دیده‌بان بزرگ‌ترین شهر کانادا خواهد بود.



عشاق افقی در موزه آقاخان

## «پلاسکو» و فکرهایی که نباید بکنیم

دارد، گاهی هم فکرکردن یا نکردن به اینها، بیشتر آدم را افسرده می‌کند.
بیا باید به اینکه برای مسئولان شهری ما بحث ایمنی چقدر اهمیت دارد و گجای اولویت‌هایشان است، فکر نکنیم. به این فکر کنیم بلاخره به‌روزرکردن بیلبرودهای غول‌آسا، سیاسی، تبلیغاتی و انتخاباتی احتمالا اهمیتش بیشتر از به‌روزرکردن تجهیزات آتش‌نشانی بوده است.
بیا باید به این فکر نکنیم که سیستم مدیریت بحران که با ریزش یک ساختمان طومارش در هم می‌پیچد، با زلزله احتمالی تهران چه خواهد کرد. فکرش هم واقعا دهشتناک است. به جایش بیا باید به این فکر کنیم که روزانه ده‌ها نفر بر اثر همیش سهل‌انگاری‌های مدیریتی، کم‌کاری‌ها در جاده‌ها، مرزها، سیل و این‌طرف و آن طرف، جانشان را از دست می‌دهند و ما کتمان نمی‌کرد. بیا باید به قهرمانان آتش‌نشان که این‌گونه بی‌محبا و دلورانه از جانشان می‌گذردن ولی حقوق‌شان این‌قدر ناچیز است، فکر نکنیم و به نامن شبیه پلاسکو تهران تا شیوه پوشش خبری صدواوسیم، از استعفا یا استیضاح شهردار تا دردرس پدیده شهروند- خبرنگار و بی‌سروسامانی اخبار رسمی و مواردی از این دست. همه و همه از جمله نکاتی است که این روزها میان مردم و مسئولان و همچنین در فضای مجازی و غیرمجازی بحث‌های داغی را پدید آورده است.

اما واقعا هرکدام از این نکات دو یا چند «رو» دارد، گاهی هم فکرکردن یا نکردن به اینها، بیشتر آدم را افسرده می‌کند.
بیا باید به اینکه برای مسئولان شهری ما بحث ایمنی چقدر اهمیت دارد و گجای اولویت‌هایشان است، فکر نکنیم. به این فکر کنیم بلاخره به‌روزرکردن بیلبرودهای غول‌آسا، سیاسی، تبلیغاتی و انتخاباتی احتمالا اهمیتش بیشتر از به‌روزرکردن تجهیزات آتش‌نشانی بوده است.
بیا باید به این فکر نکنیم که سیستم مدیریت بحران که با ریزش یک ساختمان طومارش در هم می‌پیچد، با زلزله احتمالی تهران چه خواهد کرد. فکرش هم واقعا دهشتناک است. به جایش بیا باید به این فکر کنیم که روزانه ده‌ها نفر بر اثر همیش سهل‌انگاری‌های مدیریتی، کم‌کاری‌ها در جاده‌ها، مرزها، سیل و این‌طرف و آن طرف، جانشان را از دست می‌دهند و ما کتمان نمی‌کرد. بیا باید به قهرمانان آتش‌نشان که این‌گونه بی‌محبا و دلورانه از جانشان می‌گذردن ولی حقوق‌شان این‌قدر ناچیز است، فکر نکنیم و به نامن شبیه پلاسکو تهران تا شیوه پوشش خبری صدواوسیم، از استعفا یا استیضاح شهردار تا دردرس پدیده شهروند- خبرنگار و بی‌سروسامانی اخبار رسمی و مواردی از این دست. همه و همه از جمله نکاتی است که این روزها میان مردم و مسئولان و همچنین در فضای مجازی و غیرمجازی بحث‌های داغی را پدید آورده است.

#### منوی پیشنهادی تئاتر فجر

### «سفید» از ژاپن و «سار» از ترکیه



رضا آشفته

● نمایش سفید از ژاپن، سار از ترکیه، خرمرهر، برما و صورااسرافیل از ایران، امروز دوشنبه، چهارم بهمن در تالارهای مختلف میزبان تماشاگران چهارمین روز برگزاری جشنواره سی‌وپنجم تئاتر فجر هستند. سفید براساس تکنیک‌های نور و حرکت، به کارگردانی کوکونا در تالار اصلی تئاتر شهر و در دو نوبت ۱۷ و ۲۰ اجرا می‌شود. ما تاکنون از ژاپنی‌ها نمایش‌های درخور تاملی در تئاتر فجر دیده‌ایم، آن‌هم براساس همین شیوه نور و حرکت که این امیدواری در ما برانگیخته می‌شود که امسال هم چنین اتفاقی بیفتد. به‌هرتقدیر ژاپن نسبت به دیگر کشورهای آسیایی از تئاتر مدرن درخورتامل‌تری برخوردار است و افراد سرشناسی را در این زمینه دارند. نمایش «سفید» به کارگردانی کوکونا کاری از گروه تئاتر «سیرو- ای» است. عوامل اجرایی این نمایش به شرح زیر است: کارگردان: کوکونا، کارگردان بصری: ریوسوکه ساتو، بازیگران: توشیا آرای، دایکی، کنتارو هما، تاکاهیرو، یوهی، مدیر کمپانی: یوشیکو مائدا، مدیرعامل: هیرویویکی آراکی، مدت نمایش: ۶۰ دقیقه. گروه تئاتر «سیرو- ای» در سال ۲۰۰۲ در توکیو تأسیس شده است و از جمله فعالیت‌های آن می‌توان به اجرای نمایش‌های «سفید»، «خط‌خطی»، «او-بی»، «آواتار»، «جعبه»، «توپ سایه» و «نمونه‌برداری» اشاره کرد. سار، نوشته میهران توماسیان و سارو لوستا و کار میهران توماسیان در تالار سایه و در دو نوبت ۱۷ و ۱۹ اجرا می‌شود. «سار» داستان دو دوست است که از بچگی همسایه بوده و با هم در استانبول بزرگ شده‌اند و هم‌اکنون در دهه سوم زندگی خود، خاطرات و مشاهدات خود را با هم مرور می‌کنند. آنها از موسیقی، حرکت و کاغذ برای کاویدن رؤیاهای خود استفاده و درباره آینده‌شان سؤال می‌کنند. در این نمایش یک بازیگر حضور دارد که با استفاده از یک کاغذ بزرگ و با بهره‌گیری از یک شیوه اجرایی ساده و سرگرم‌کننده، این نمایش را اجرا می‌کند، ضمن اینکه موسیقی و ساخت فضا از اولویت‌های اجرایی این نمایش به حساب می‌آید. «خرمرهر» عنوان نمایشی است نوشته فرهاد نقدعلی و کار محسن قصابیان که در تالار چهارسوی تئاتر شهر اجرا می‌شود. این نمایش به‌عنوان کاری از تهران، در دو نوبت ۱۸:۳۰ و ۲۰:۳۰ به صحنه می‌رود. خرمرهر یک نمایش از نوع چخوفی است که بسیار تماشایی است و اگر کسی آن را نبیند، این مثل شامل حالش خواهد شد که نمی‌از عمرش بر باد رفته! خرمرهر یک اقتباس زیبا از یک داستان کوتاه است؛ فرهاد نقدعلی به زیبایی توانسته داستان کوتاه خطاکار چخوف را تبدیل به یک نمایش‌نامه تک‌برده‌ای کند که هم به‌لحاظ اجتماعی و فرهنگی قابل انطباق با امروز ما و هم ارجاع به تاریخ معاصر و دوره پهلوی اول می‌تواند بستر ساز بسیاری از انتقادات ریشه‌دار در ملاحظات مدرن‌شدن کشور ما باشد. «رما» دیگر نمایشی است که با کارگردانی اشکان صادقی و الهام شکیب در تالار حافظ اجرا دارد. این نمایش در دو نوبت ۱۸:۳۰ و ۲۰:۳۰ به صحنه می‌رود. در این نمایش که نوشته لورکا، شاعر و نمایش‌نامه‌نویس اسپانیایی، است، «برما» زنی روسایی است که بعد از ازدواج در آرزوی بچه‌دار شدن است، اما همسرش، «خوان»، توانایی بچه‌دار شدن ندارد. «صورااسرافیل» نوشته سیاوش پاکراه و کار عامر مسافراستانه در تالار سمندریان ایران‌شهر به صحنه می‌رود. این نمایش نیز در دو نوبت ۱۸ و ۲۰:۴۵ اجرا دارد.

#### خبر سازان

### کناره‌گیری منتقدان از فجر

● **شرق:** انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی، جلسات نقد و بررسی سی‌وپنجمین دوره جشنواره فیلم فجر را برگزار نمی‌کند. این انجمن در یادداشتی دلایل این تصمیم را ذکر کرده است: «متأسفانه در فضای به‌شدت محافظه‌کارانه کنونی، گویا «فرهنگ» و «فرهنگ‌ساز» قربانی اصلی است، جهت اطلاع اعضای محترم انجمن و ثبت در تاریخ یادآور می‌شویم که جلسه‌ای با حضور تعدادی از اعضای شورای مرکزی انجمن و دبیر محترم سی‌وپنجمین جشنواره فیلم فجر برگزار و توافق شد که در ترکیب هیئت داوران یک منتقد از اعضای شاخص و صاحب‌نظر انجمن قرار گیرد. براین‌اساس طی نامه مکتوبی آقایان جهانپخش نورایی، طهماسب صلح‌جو، روبرت صافاریان، شهرام جعفری‌نژاد و مهرزاد دانش به‌عنوان منتقدین پیشنهادی این ششورا معرفی شدند. ولی با اعلام اسامی هیئت داوران، خلف وعده همچون سال گذشته آشکار شد در انتخاب آقای اکبر نبوی که این شورا به ایشان ادرات جداگانه دارد نیز نیشطنتی صورت گرفته تا راه برای بستن دهان ما باز باشد ولی حکایت همچنان باقی است. این روزها می‌گذرد و تاریخ، شهادت صادقانه‌اش را خواهد داد. ضمنا به‌عنوان اعتراض به این تصمیم غیر اخلاقی دبیر محترم جشنواره، مراتب انصراف خود را از برگزاری جلسات نقد و بررسی اعلام می‌داریم».